

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال پانزدهم
شماره ۱۸۰ اسفند ماه ۱۳۹۳ - مارس ۲۰۱۵

فشار سیاسی و تحریم اقتصادی ابزار سلطه امپریالیستی اند

به دنیای خود بنگریم، به اطراف خود نظاره کنیم و خواهیم دید که در شرایط بحران اقتصادی جهان امپریالیسم، چگونه امپریالیست ها با بی شرمی تمام و وحشیانه بر تمام دولت ها و حکومت های ضعیف که قصد کسب و یا حفظ آزادی سیاسی و اقتصادی و تعیین سرنوشت خود به دست خویش را دارند با جدیت در جهت تأمین اعمال حاکمیت غیر قانونی و استعمارگرانه خود تلاش می کنند.

اگر درست است که امپریالیسم علی القاعده سلطه طلب و تجاوزگر است؛ به همان اندازه نیز درست است که علیرغم رقابت بین آنان در اینجا و آنجا، به منظور کسب سهم بیشتر در غارت ممالک دیگر، نه تنها در خاورمیانه، بلکه در اروپای مرکزی نیز با هماهنگی عجیبی بین امپریالیسم آمریکا و اروپا روبرو هستیم. همه شواهد نشان می دهند که علیرغم مقاومت برخی از بورژوازی امپریالیستی اروپا - منجمله آلمان و فرانسه - در قبال استراتژی یکجانبه آمریکا، فعلا تعیین کننده روال حوادث، امپریالیسم امریکاست. این خط اساسی حرکت کنونی سیاسی اروپا تنها در جهت حفظ منافع استراتژیک امپریالیسم آمریکا است و عمدتا به سود این امپریالیسم تمام شده و خواهد شد و نه اروپا. روسیه امپریالیستی که خواه ناخواه بر اثر سیاست های نادرست رهبران روسیه امپریالیستی از جمله یلنن از یکسو و از سوی دیگر بلعیدن جمهوری های وابسته به روسیه و یا شوروی سابق، ناتوان گشته، باعث شده است که امپریالیسم ... ادامه در صفحه ۲

اخلاقیات دو گانه امپریالیسم یا دورویی آنها در برخورد به آزادی های دموکراتیک، ماهیت طبقاتی دارد

سندی را که در زیر مشاهده می کنید، مستخرج از جزوه ای است که حزب کار ایران (توفان) در برخورد به ماجرای ترور نویسندگان و کاریکاتوریستهای "شارلی ابدو" منتشر کرده است. در این جزوه برخورد صحیح کمونیستها را به مسئله دین بازگو نموده و نشان داده است که اسلام ستیزی امپریالیسم و صهیونیسم نه ماهیت مبارزه علیه خرافات و نادانی و نه جنبه مبارزه با تروریسم را دارد. خود امپریالیستها و صهیونیستها بزرگترین تروریستهای دولتی بوده که در پی تشویق فاشیسم و نژادپرستی هستند. این سیاست آنها بر متن سیاست تقسیم نوین خاور میانه صورت می پذیرد. در این سند دو روئی امپریالیستها را که برخی از هموطنان روشنفکر نمای میهن ما را نیز فریب داده اند ملاحظه می کنید:

"حال به اسناد زیر نگاه کنید و ببینید که چگونه با اخلاقیات دوگانه و یا با دورویی به مسئله "آزادی بیان" برخورد می شود. این سند نشان می دهد تا چه حد این سر و صد ها جنبه تحریک آمیز و ترغیب و تشویق فعالیتهای نژادپرستانه و فاشیستی و ایجاد فضای زهر آگین برای سرکوب مبارزات طبقه کارگر و نقض همه حقوق دموکراتیک به بهانه مبارزه علیه تروریسم را دارد.

بیاد بیاوریم که ناجی العلی طراح و کاریکاتوریست مشهور فلسطینی، ضد فساد دول عربی و دشمن صهیونیسم در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷ در لندن بدست مוסاد در نزدیکی محل کارش، خبرگزاری کویت روزنامه القدس ترور شد. رسانه های غربی برای ترور کاریکاتوریست فلسطینی کوچکترین مراسمی برپا نکردند و فریادهایشان گوش فلک را مانند نمایشات امروز که گویا قلمها شکسته شده ... ادامه در صفحه ۳

کشتار مردم اوکرائین توسط رهبران "کی یف" جنایت علیه بشریت است

جنایاتی که امپریالیسم و صهیونیسم در یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، فلسطین، لبنان و ... انجام داده اند، نباید از خاطر برود. میلیونها انسان در حال گریز از مراکز فاجعه اند و در دریای مدیترانه، اقیانوس آرام به آرامی غرق می شوند، زیرا آخرین لقمه نان آنها را امپریالیستها از دستشان با سیاستهای نئولیبرالی به سرقت برده اند و حتی با نظاره بر این تصاویر تکان دهنده این کشتار جمعی، اشک غرب "بشردوست" و مدافع "ارزشهای غربی" بر صورتشان جاری نمی شود. نژادپرستان، برتری جویان، ناسیونالیستهای عظمت طلب که به شستشوی مغزی دچار آمده اند وجدان ناراحتی نیز از این همه فجایع برهنه ندارند. به قول انگلس این آموزگار بزرگ پرولتاریا "ملتی که به ملت دیگر ستم روا می دارد خودش آزاد نیست". امپریالیستها برای توسعه نفوذ سیاسی خود و تحقق سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی از طریق ابزار استعماری و اهرمهای قدرت اقتصادی خویش نظیر بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، مناطق آزاد تجاری، کسب بازارهای فروش و تقسیم منابع و منافع از جهان را در دستور کار خود قرار داده اند و به جنگهای نیابتی در جبهه های گوناگون مشغولند. سرنوشت میلیونها انسان برای آنها بی تفاوت است و حتی مطبوعات "آزاد" آنها در مورد این همه جنایات امپریالیستها و علل این همه فجایع سکوت اختیار می کنند و یا به جعل اخبار می پردازند و یا برای انحراف افکار با اقدامات تروریستی سازمان داده شده فضای مسموم ضد بشری برای سرکوب طبقه کارگر و حقوق دموکراتیک و تجاوز آشکار، فراهم می آورند.

هجوم پناهندگان به ویژه به اروپا محصول همین سیاست غارت است. علل همه این هرج و مرج و ویرانی و فلاکتها حرص و طمع و رقابت امپریالیستهاست، تا منابع ملی سایر ممالک را غارت کنند. بافت سیاسی و اداری کشورها را از بین ببرند، گروه های تروریستی را که با پول آنها و تسلیحات آنها و نیروی سازمانی آنها تا مغز استخوان مسلحند بر جان و مال ناموس مردم مسلط کرده و در دنیائی از هرج و مرج که ایجاد کرده اند با آرامش و وجدان راحت به غارت خویش، بی سر و صدا و بدون محاسبه ادامه می دهند. این وضعیتی است که امپریالیستها ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

فشار سیاسی و تحریم...

امریکا و در کنار آن، ناتو و امپریالیسم اروپا علیرغم وجود خطر جنگ به منظور تضعیف هر چه بیشتر رقیب امپریالیسم خود یعنی روسیه و به زانو کشاندن او، خود را هر چه بیشتر مجهز کرده و به مرزهای روسیه نزدیک گرداند.

معمولا رسم است که برای شروع هر درگیری و یا جنگی، از یکسو دشمن به عنوان یک هیولای وحشتناک معرفی می شود و از سوی دیگر برای افکار عمومی به منظور اجرای هر گونه اعمال غیر انسانی و جنایت که شرایط حمله را فراهم می سازد، تئوریهای «انسانی» و قابل قبول برای مردم بافته می شوند. هر آنچه تاکنون مضموم و ناپسند تلقی می شد، با مرور زمان نه تنها عادی، بلکه قابل پذیرش می گردند.

- از آن جمله است کنترل و نظارت و ثبت اطلاعات و هر آنچه مردم در تلفن، و رسانه های اینترنتی بر زبان می رانند و یا می نویسند. این عمل برخلاف موازین دموکراتیک و تنها به منظور کنترل افکار عمومی است. واقعیت ولی آن است که علیرغم اعتراض توده های وسیع، این امر در عمل جا افتاده است و قبح آن از بین رفته و این خود سبب می گردد که امپریالیست ها گام های بیشتر در این جهت بردارند.

- از آن جمله است مساله سلب حقوق بشر و آزادی انسان ها، ربودن آنان، به زندان کشاندن و شکنجه آنان. فراموش نباید کرد که علیرغم وجود انسان ربائی و شکنجه و به زندان کشاندن انسانها، امپریالیست ها کوشش داشتند بر این اعمال تا آنجا که قادرند، سرپوش نهند. پس از اشغال عراق و افشای شکنجه و هتک حرمت مردمان آن دیار در زندان مشهور ابو غریب، دوران جدیدی شروع می شود که با برملا شدن مدام اعمال غیر انسانی، وحشیانه و ضد قانونی امپریالیسم امریکا (زندانها در اروپا، افغانستان، لهستان، رومانی، ممالک بالتیک، گوانتانامو و ...) روبرو می شویم. تو گوئی امریکا با زبان بی زبانی به مردم دنیا می گوید: ما چنینیم و با کسانی که با ما موافق نیستند و این چنین نیستند، بلکه آن چنانی اند، همین رفتار را خواهیم کرد. وقاحت این امپریالیسم در لباس دفاع از حقوق بشر، اوج بی شرمی را نشان می دهد. آیا می توان پذیرفت که مردم جهان حاضرند همه این وقاحت و بی شرمی را پذیرا گردند؟ حداقل آن است که امپریالیسم امریکا با چنین روحیه ای که پذیرای ارزش های «نوبل» غیر انسانی باشد، حساب می کند و این حساب متأسفانه در برخی از کشورهای امپریالیستی پذیرا می گردد.

- همچنین تحریم های اقتصادی و سیاسی در مذاق عمومی جهان امپریالیستی به مثابه وسیله ضروری برای پیشبرد منافع غرب جا افتاده است. برخی از توده های مردم این کشورها بر اثر تبلیغات مدام سیاست مداران و رسانه های وابسته در دام امپریالیست ها گرفتاراند و آن را واقعا به مثابه «نتیبیه» و «مجازات» دولت ها و کشورهایی می شناسند که بر خلاف انسانیت و حقوق بشر رفتار کرده اند. اعتماد به دولت های خودی وسیله اساسی برای نفوذ تبلیغات عوامفریبانه و قلابی امپریالیست ها است. آنان کشورهای را مورد فشار سیاسی، تحریم اقتصادی و غیره قرار می دهند که بنابر دلایل گوناگون حاضر نیستند به فرامین و تحکیم این دولت ها، بانکهای آنان و حاکمیت بلامنازع سرمایه مالی جهانی گردن نهند. تحریم وسیله فشار امپریالیست ها برای پیشبرد

امیال استراتژیک خویش است. چنین بود پس از ۱۹۹۲ و حمله عراق به کویت و سپس آغاز تحریم های امپریالیست ها در مورد کشور عراق و به فقر و گرسنگی کشاندن مردم آن دیار که به نابودی نزدیک به ۱ میلیون انسان و به ویژه کودکان و شیرخوارگان منتهی گشت. چنین است در مورد ایران و چنین است امروز در مبارزه غرب با روسیه بر سر اوکراین.

همه این تحریم ها علیرغم مخالفت بخش وسیعی از مردم اروپا، برخلاف مخالفت بخش قابل توجه ای از بورژوازی امپریالیستی اروپا - و بویژه آلمان و فرانسه - عمدتا توسط دولت خانم مرکل، ناتو و اتحادیه اروپا و بر خلاف منافع روشن اقتصاد و سیاست اروپا و علی القاعده به سود امپریالیسم امریکا و منافع کوتاه مدت و درازمدت این امپریالیسم انجام پذیرفته اند. مردم آلمان در اکثریت خود با این سیاست تحریم مخالف اند و هیچگونه ضرورتی را بر آن نمی بینند. واقعیت نیز آن است که این تحریم ها تنها به سود امپریالیسم امریکا تمام خواهد شد و این امریکا است که موتور تحریم، تضعیف روسیه و فشار هر چه گسترده تر و احتمالا برخورد نظامی بین روسیه و ناتو است. تا چه زمانی اتحادیه اروپا - و بویژه آلمان و فرانسه که دو ستون اساسی این اتحادیه اند - حاضر خواهد بود برای منافع استراتژیک امریکا سینه سپر کند؟ و آیا اروپا و هم چنین آلمان حاضر اند برای سومین بار، نکبت و سرشکستگی شکست در جنگ با روسیه (و شوروی) را به جان بخرند؟ اولین شکست جنگ ناپلئون با روسیه در سال ۱۸۱۲ و سپس حمله هیتلر به اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۴۱ و پیروزی ارتش سرخ بر علیه فاشیسم بود.

علیرغم آن که عقل سالم و منافع واقعی بورژوازی امپریالیستی اکثر کشورهای اروپا و حتی بورژوازی غیر امپریالیستی سایر کشورهای اروپا - حتی لهستان و سه کشور بالتیک لتونی، Letland، استونی Estland، لیتوانی Litauen که کاملا به امریکا وابسته اند و نوکر سرسپرده این امپریالیسم اند - بر آن حکم می دهد که حمله به روسیه و برخوردهای نظامی وسیع تر دورنمایی به غیر از شکست و ویرانی اروپا و احتمالا تقویت روسیه نخواهد داشت؛ معهذا مطبوعات و رسانه های اروپایی و برخی محافل سیاسی وابسته به امریکا در این جهت تبلیغ می کنند و شرایط فرهنگی و ایدئولوژیک قابل توضیح را برای مردم فراهم می کنند. هر تهاجم و یا جنگی پیشقراولان تئوریک و ایدئولوژیک خود را به وجود می آورد تا در صورت وقوع تهاجم، توده های مردم آماده پذیرائی آن گردند و یا حداقل خلع سلاح سیاسی و ایده ای صورت پذیرد.

نشریه آلمانی "زود تسایتونگ" (Süddeutsche Zeitung) در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۵ در تفسیری کوتاه چنین می نویسد: «تحریم های اقتصادی به عنوان ابزار سیاست خارجی دو هدف دارند: اولاً آنها می بایستی حکومتی را که بر خلاف روش و رفتار قابل قبول عمل می کند، مجازات نماید. این مجازات در واقع بهائی است که یک حکومت به خاطر رفتار ناپسند می پردازد. دوما این مجازات می بایستی در جهت تغییر رفتار دولت ها کمک نمایند».

در تمام این تفسیر، هیکل و شمایل استعمار، زورگوئی و وقاحت بورژوازی را به طور روشن می توان دید. زمانی بود که تحریم چه اقتصادی و

چه سیاسی همواره بار منفی داشت. و در واقع نیز چنین است. این ابزار آن چنان که نویسنده مرتجع و خود فروخته این روزنامه می نویسد: «ابزار سیاست خارجی اند» اما سیاست خارجی کشورهای زورگو و امپریالیستی که قصد تصرف و استعمار سرزمین های دیگر را دارند.

سیاست خارجی هر کشوری از ماهیت دولت حاکم برمی خیزد و بر این اساس نیز دول جهان روابط سیاسی و اقتصادی خود را با یکدیگر پایه ریزی می کنند. سیاست خارجی دول امپریالیستی علی القاعده بر اساس سلطه گری، زورگوئی و تهاجم نهاده شده است. سازمان ملل بر اساس احترام به حقوق بشر و به حاکمیت دولت ها شکل پذیرفت و هدف آن جلوگیری از لجام گسیختگی در این روابط به منظور حفظ صلح جهانی و پذیرش احترام به یکدیگر بود. این روابط سیاسی و اقتصادی بین دول - تا آنجا که این دولت ها متمدن اند و نه وحشی همانند امپریالیسم امریکا - علی القاعده از طریق سازمان ملل متحد کنترل و نظارت می گردد و در آن جا هیچ گونه جانی برای زورگوئی و به گرسنگی کشاندن خلق های دیگر وجود ندارد. مگر آن که سیاست خارجی یک کشور بر اساس استعمار و منافع امپریالیستی پایه گذاشته شده باشد. زبان این روزی نامه آلمانی در عرض چندین ده سال پیش با تغییر موضع به سود امریکا و منافع سرمایه مالی جهانی، با مرور زمان زبانی گزنده و بازگوی منافع قدرتمندان و زورگویان گشته است.

در اینجا قصد ما افشای این روزنامه نیست. هدف نشان دادن آن مساله است که اینگونه بلندگویان امپریالیسم (که متأسفانه کم نیستند و از قدرت مالی زیاد و نفوذ معنوی تا حدودی قابل توجه برخوردارند و دارای تیراز بالائی هستند) هر آنچه را تا کنون به عنوان ارزش های مضموم، غیر انسانی و ناپسند نه تنها از سوی کمونیست ها و یا نیروهای مترقی، بلکه حتی نزد افکار عمومی جهان بورژوازی (چه غرب و چه شرق) و حتی از جانب خود آنان در گذشته ای نه چندان دور شناخته شده بودند، مورد علامت سوال قرار داده و اکثر آنان را به دایره قابل پذیرش و مثبت تبلیغات خویش وارد کرده اند. حتی جنگ که برای بخش وسیعی از رهبران اروپا و تا حدی عده قابل توجه ای از توده های مردم اروپا و بویژه آلمانی ها مورد سرزنش و غیر قابل پذیرش بود، تحت لوای دفاع احزاب بورژوازی همانند سبزه ها و یا سوسیال دموکرات ها و هم چنین احزاب مسیحی مسلک می تواند مورد بحث و پذیرش قرار گیرد. ناتو و اتحادیه اروپا نه تنها با پذیرش تحریم در قاموس خویش به عنوان وسیله اساسی و تعیین کننده برای رسیدن به اهداف امپریالیستی خویش، نه تنها با استفاده از قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی خویش، بر کشورهای دیگر اروپائی که در موضع ضعیفتری اند- همانند یونان، اسپانیا، پرتغال...- حاکمیت خویش را دیکته می کند؛ نه تنها چشم بسته وابستگی خود را به امریکا تحکیم می بخشد، بلکه در راه خطرناک تصادم، تهاجم و جنگ با روسیه گام می نهد. امری که تنها می تواند به سود امپریالیسم امریکا تمام گردد و با مصیبت، جنگ و ناکامی برای مردم اروپا پایان پذیرد.

این بار ولی مردم اروپا، روسیه و تمام جهان دست امپریالیست ها را خوانده اند و با مبارزه خویش، آرزوی سلطه امپریالیست ها بر جهان، ویرانی و بی خانمانی را قبل از ... ادامه در صفحه ۳

ویزل (Élie Wiesel) و برخی دیگر از روشنفکران یهودی مورد تشویق قرار گرفت. به نوبه خود یک واکنش مخالف نیز برای فرد اخراجی ایجاد شد که در یک چشم بهمزدن ۲۰۰۰ امضاء جمع آوری گردید. امضاء کنندگان سر دبیر "شارلی ابدو"

را متهم کردند که در مقابل نارضائی کاخ الیزه تمکین کرده و آزادی عقیده را زیر پا گذارده است."

... داستان از این قرار بود که سینه ۷۹ ساله در شماره ۲ ژوئیه



۲۰۰۸ "شارلی ابدو" طنزی پیرامون فضاحت گمردن «ژان سارکوزی»، پسر ۲۱ ساله «نیکلا سارکوزی»، رئیس جمهور وقت فرانسه که هنوز دانشجو بود به مدیرعاملی موسسه مالی عظیم «دفانس» در پاریس، کشیده شده است. در آن از قول وی می آید: "من یهودی میشم قبل از اینکه با نامزد (جسیکا سباتون دارتی-توفان) ازدواج کنم" (نامزد ایشان یک خانم یهودی ثروتمند و وارث شرکت زنجیره ای تولید وسایل الکترونیکی "دارتی" (Darty) در فرانسه است)، وی برای این آقا زاده آینده درخشانی پیش گونی کرده و نوشته بود: "این آقا زاده خیلی بیش از اینها تو زندگی بست میاره". در خاتمه ستون "سینه" در اعتراض به مقاله ای که در نشریه "اکسپرس" (Express) منتشر شده که در آن از بنیادگرایان اسلامی طلب شده بود رسوم عهد عتیق خود را فراموش کنند، می آورد: "باید رو راست اعتراف کنم من بین یک زن مسلمان توی چادر و یک زن یهودی تراشیده گزینشم روشن است."

... چند روزی از انتشار طنز آقای "سینه" می گذرد و مورد اعتراض سر دبیر نشریه که حتی نشریه خودش را نیز نخوانده است قرار نمی گیرد. ولی بعد از آن توفان آغاز می گردد و با اشاره به وارث یهودی ثروتمند، "سینه" را متهم می کنند که همان الگوهای ضد یهودی را زنده کرده است و از وی می خواهند که به خودش انتقاد کند. وی که مدتها با مردم فلسطین همدردی کرده و جنایات اسرائیلی ها را برملا ساخته است و همواره در کنار جنبش آزادیبخش الجزایر بر ضد استعمار فرانسه قرار داشته است این فشار را رد می کند. و اخراج می شود.

اما شهرت "شارلی ابدو" در فرانسه به خاطر اسلام ستیزی آن است. این نشریه کاریکاتور محمد را که روزنامه صهیونیستی دانمارکی منتشر کرده بود در تاریخ ۲۰۰۶/۰۲/۰۸ تجدید چاپ کرد و تیراژ ۶۰ هزار عددی خود را به ۴۰۰ هزار عدد رسانید. سخنان کنایه و توهین آمیز اورینا فالاجی را بر ضد اسلام همچون سرود جشن گرفت و محقق بحث انگیز طارق رمضان را به عنوان "مبلغ یهودی ستیز" رد کرد

"سینه" از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۸ در نشریه فکاهی "شارلی ابدو" کار می کرد. و در سال ۲۰۰۸ به

بهبان اظهارات ... ادامه در صفحه ۴

رمی دهد زیرآبش را به عنوان یهودی ستیزی که به اعتقادات کهنه خود دلبستگی دارد بزنند.

LE LIVRE de handala



جگونگی اخراج "سینه" (Siné) از "شارلی ابدو"



"Ein Ozean der Scheiße" Wegen angeblichen Antisemitismus' wurde

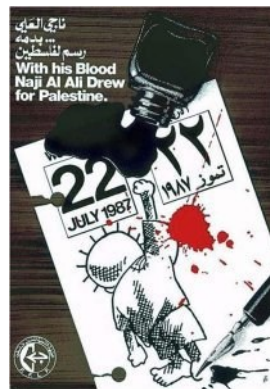
ein Karikaturist gefeuert: Was der Fall Siné über Frankreich verrät Von Jörg Von Uthmann

DIE WELT

"اقیانوسی از نجاست" عنوان مقاله است که آقای "یورگ فن اوتهمن" (Jörg Von Uthmann) در روزنامه "دی ولت" (DIE WELT) در مورد اخراج یک کاریکاتوریست از هفته نامه "شارلی ابدو" برشته تحریر در آورده است. وی این عنوان را از سردبیر نشریه طنز هفتگی "شارلی ابدو" به عاریه گرفته است که همه نامه نگاری های انتقادی خوانندگان به نشریه و اعتراضات آنها را نسبت به روش سردبیر نشریه به عنوان "اقیانوسی از نجاست" نامیده است. سر دبیری که حتی تحمل انتقادات خوانندگان فرانسوی زبان خود را ندارد و همه آنها را یک "مشت نجاست" می داند، بیکباره به عنوان قهرمان مبارزه برای "آزادی بیان" به میدان می آید. "یورگ فن اوتهمن" مخبر روزنامه "دی ولت" در این مقاله به اخراج یک کاریکاتوریست منتقد اشاره می کند و نشان می دهد که تا چه حد "آزادی بیان" و ادعای "بی قید و شرط" بودن آن برای سینه چاکان این تئوری ارزش دارد.

"... خوشبختانه، ماجرای سینه است که می تواند با کمی مهارت به عنوان یک ماجرای جدید دریفوس برای فروش عرضه شود. چه اتفاق افتاده؟ "فیلیپ ول" (Philippe Val) که سردبیر طنز هفته نامه "شارلی ابدو" است،

کاریکاتوریستی بنام موریس سینه Sinet را، به اتهام یهودی ستیزی درجا اخراج کرده است. وی از جانب روشنفکران یهودی از جمله "برنارد هنری لوی" (Bernard-Henri Lévy)، "کلود لانتس من" (Claude Lanzmann)، "الی



فشار سیاسی و تحریم...

آن که بتواند شکوفا گردد و سایه شوم خود را بر جهان بگستراند، در مخیله یک یک امپریالیست ها مدفون خواهند ساخت. این بار مقاومت در برابر سلطه گری امپریالیسم، فاشیسم و جنگ اگرچه غیر هماهنگ و بدون تمرکز یک رهبری واحد است، اما در سراسر جهان گسترده و هم چون آتش زیر خاکستر آماده انفجار است. این آتش مقاومت و طغیان سرانجام از هر سو گریبان امپریالیسم، فاشیسم و ارتجاع را خواهد گرفت. ****

اخلاقیات دو گانه امپریالیسم....

و "آزادی قلم و بیان" نقض شده است، گر نکرد. در آن روز کسی از "آزادی بیان" که بخشی از "ارزشهای غربی" و مورد تعرض است سخنی به میان نیاورد. جان کاریکاتوریست فلسطینی بی ارزش بود و توسط سازمان جنایتکاری ترور می شد که حق ترور مخالفان را همیشه برای خود محفوظ داشته است.

دولت انگلستان به رهبری خانم مارگارت تاچر که از فعالیت غیر رسمی موساد در انگلستان با خبر بود، هرگز تلاشی نکرد تا جلوی این فعالیتهای تروریستی را بگیرد.

ماجرای ترور کاریکاتوریست فلسطینی بدست

موساد و برخورد "شارلی ابدو"

آقای "سینه" (Siné) کیست؟ وی فرانسوی، دوست مسلمانان و اقلیتها در فرانسه است. وی از مبارزه مردم الجزایر بر ضد امپریالیسم فرانسه دفاع می کرد و امروز نیز هوادار جنبش آزادیبخش فلسطین و دشمن سوگند خورده صهیونیسم اسرائیل است. در کتاب نقاش کاریکاتوریست اثر العلی ناجی که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد، ناشر به معرفی ۱۴۰ کاریکاتور منتشر نشده با توضیحاتی مربوط به طرحهای وی پرداخت. در معرفی کتاب "نقاش کاریکاتوریست" "Livres de Handala" توسط کاریکاتوریست دیگری بنام "سینه" (Siné) که با همین نشریه "شارلی ابدو" کار می کرد، نقش العلی ناجی به عنوان مبارز منتقد و سرسخت فلسطینی تمجید شده بود. رئیس وقت این نشریه در آن زمان آقای فیلیپ وال Philippe Val بود که آقای "سینه" را مزاحم در کادر همکاران نشریه فکاهی "شارلی ابدو" به عنوان "یهودی ستیز" مورد ظن قرار می داد. "سینه" می

گفت العلی ناجی به خاطر اعتقاداتش که وی آنها را در قالب طرحها و اندام کوچک حنظله (نقاش کاریکاتوریست) با استادی بیان می کرد به قتل رسید. هیچکس در آن زمان معترض نشد که "آزادی بیان" آقای ناجی مورد تعرض قرار گرفته است. حنظله یک فلسطینی ۱۰ ساله پناهنده فقیری بود که در تمام طرحهای العلی ناجی با پشت به دنیائی که به سرزمینش خیانت کرده بود، حضور داشت. در زیر، کتاب کاریکاتور وی را می بیند که جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز از وی

تجلیل کرده است و روز شهادتش را گرمی داشته است. همین دفاع آقای "سینه" از کاریکاتوریست فلسطینی که کسی برایش نمایشات اعتراضی در زیر لوای دفاع از "آزادی بیان" برپا نکرد پاپوشی شد که وقتی وی پسر سرکوزی را مورد طنز قرا

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

آوردند. خون قربانیان اوکرائین به دستان امپریالیسم غرب چسبیده است. وقتی کودتا تمام شد و معلوم شد آمریکائی ها رو دست اروپائی ها زده اند و از طریق لهستان شکنجه گر، مزدوران خویش را به اوکرائین وارد می کنند و سازمانهای امنیتی خصوصی که ارتش غیر رسمی آمریکا هستند در اوکرائین فعالند، آنوقت روشن بود که "قهرمان بوکس آلمان" یعنی آقای "ویتالی کلیچکو"ی اوکرائینی بختی برای پیروزی در انتخابات نداشته و خانم فاسد و دزدی بنام "تیموشنکو" نیز که از چهره های محبوب آلمانها بود باید خود را با تمارض و صحنه سازی مسخره و کنار بکشد. آقای "ویتالی کلیچکو" (Vitali Klichko) که حالا فقط باید به سمت شهردار "کی یف" قناعت می کرد و "مایدان" را از کثافتکاری های نازی ها پاک می کرد، حمله به بیست نشستنگر در "مایدان" را علنی کرد و اعتراف نمود که این چند هزار نفری که "مایدان" را ترک نمی کنند و مانع عبور و مرور وسایل نقلیه بوده و مزاحم کار و اشتغال مردم اند، بیکاره ها و مزدورانی هستند که از اروپای غربی برای صحنه سازی به "مایدان" فرستاده اند و حالا که وظیفه آنها تمام شده است ماموران شهرداری این خاکروبه ها را به بیرون می ریزند. پرونده تیراندازی نازی ها در "مایدان" که منجر به قتل مردم معترض شده بود نیز بسته شد. این کودتا گران حتی هواپیمای غیر نظامی و مسافری مازری را با هواپیماهای شکاری نظامی اوکرائینی برای ایجاد تنش و درگیرهای گسترده تر سرنگون کردند و حالا که به آمل خود رسیده اند، پرونده این جنایت ظاهرا بسته شده و رسانه های گروهی غرب که بر سر آن جنجال می کردند حق السکوت خود را گرفته و افکار عمومی را در مورد مسایل پشت پرده آگاه نمی کنند.

در "کی یف" از ارتش اوکرائین صحبت می شود در حالیکه در اوکرائین ارتشی وجود ندارد. یا به روسیه پیوسته اند و یا منحل شده اند. آنچه بنام ارتش اوکرائین سرهم بندی شده است گردانهای داوطلب نازی هاست که توسط مربیان غربی و از جمله آمریکائی آموزش می بینند و حتی گوش فرمانبر از دستورات رهبری ظاهری اوکرائین را نیز ندارند. این عده که متشکل از ۱۳ هنگ مسلح شبه نظامی هستند برای خود نام "ارتش داوطلب اوکرائین بخش دست راستی" (Prawy Sektor) را برگزیده اند و اعلام کرده اند: "ما آتش بسی با روسهای اشغالگر و تروریستها نداریم. ما تا آزادی کامل سرزمین اوکرائین از چنگ روسهای وحشی می جنگیم. زنده باد اوکرائین". البته روشن است که منظور این نازی ها کشتار همه مردم روسی زبان است که آنها اوکرائینی نمی دانند.

"پروشونکو" رئیس جمهور مقیم "کی یف" (Petro Poroshenko) در "مینسک" تعهد کرده است که این گروههای جنایتکار و "غیر قابل هدایت" را منحل کند، ولی آقای "آرسن یاتسنیوک" (Arsen Jazeniuk) و یارانش در مجلس دست راستی مخالف این توافقند.

در این میان صندوق بین المللی پول که ابزار فشار امپریالیستهاست، می خواهد مناسبات برده داری مدرن را بر متن اقتصاد نولیبرالی در اوکرائین پیاپی کند و دست سرمایه داران کلان امپریالیستی را در غارت اوکرائین ... ادامه در صفحه ۵

دادند، با دسیسه غرب روبرو شدند که با مانور و گردن کلفتی آقای "اشتاین مایر" وزیر امور خارجه آلمان، موجبات روی کار آمدن حکومت نازی ها در "کی یف" فراهم شد و آنها در همان گام نخست زبان روسی را ممنوع کردند و حقوق دموکراتیک چندین میلیون مردم اوکرائین را به زیر پا گذارند و احزاب مخالف را قدغن نموده و فوراً سند بربریت بانک جهانی را امضاء کردند.

کسانی که به عنوان "تجزیه طلبان روس" نامیده می شوند، مردم عادی اوکرائین هستند که قرنهای در این منطقه زندگی کرده خانه و کاشانه آنها که مناطق غیر نظامی است توسط ارتش نازیها در "کی یف" بمباران می شود که موجب قتل بیش از ۶ هزار نفر گشته است. این امر یک جنایت جنگی است. دولت غیر قانونی و دست راستی "کی یف" عملاً مردم کشور خود را نابود می کند و می خواهد برای بازسازی اوکرائین توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول زمین سوخته از خود باقی بگذارد. این دولت در "کی یف" جنایتکار است وگر نه چگونه امکان دارد دولتی که خود را اوکرائینی می داند و عامل اجنبی نیست حاضر شود بخشی از سرزمین و مردمان کشور خود را با این سببیت قتل عام کند. سیاست روس زدائی، سیاست امپریالیستهای غرب در اروپای شرقی است و این سخنان را وزیر امور خارجه اسبق آلمان آقای "وستروله" که پای پیاده به "مایدان" آمده بود و بی شرمانه در امور داخلی اوکرائین دخالت می کرد، بر زبان راند و روسیه را بخشی جدا از اروپا معرفی کرد. این سیاست و تفکر سازی محصول تفکر دوران هیتلر است تا اروپای غربی را بر ضد اروپای شرقی ارتدوکس، اسلاو و "وحشی" و حتی به زبان هیتلر "بلشویسم" بشوراند. حکومت "کی یف" نماینده مردم اوکرائین نیست، زیرا هیچوقت در سراسر اوکرائین انتخابات آزادی برقرار نشده تا احزاب آزاد با اراده آزاد به انتخاب آزاد مبادرت ورزند و حکومت دلخواه خود را انتخاب کنند. آخرین دولت قانونی که آزادانه انتخاب شد، دولت ویکتور یانوکویچ بود که بر ضد جانیش بر خلاف توافق وزرای امور خارجه توطئه کردند. در توافقات وزرای خارجه لهستان، آلمان و فرانسه با آقای یانوکویچ باید یک دولت آشتی ملی در یک زمان گذار بوجود می آمد و سپس آقای یانوکویچ از مسندش کناره گیری می کرد و انتخابات مجدد

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS

برقرار می شد. غریبها که شکست خود را در این توافق می دیدند و می خواستند به هر قیمت پای سیاست نولیبرالی غارت اوکرائین را به این کشور باز کنند به زیر توافقتنامه زدند و قصد جان نخست وزیر قانونی اوکرائین را نمودند، کودتای فاشیستی راه انداختند، تیموشنکو فاسد و تبیهکار را از زندان آزاد کردند و این فاجعه را بوجود

اخلاقیات دو گانه امپریالیسم...

"یهودی سنیزانه" علیه پسر سرکوزی از کار برکنار شد. جامعه بین المللی علیه نژادپرستی و یهودستیزی (Ligue Internationale Contre le Racisme et l'Antisemitisme) علت این جدل و یک سری از سایر نقاشی هایش که آنها توهین به زنان مسلمان ارزیابی کرد علیه وی شکایت کرد. در نوامبر ۲۰۰۹ سینه در همان دادگاه اول در لیون تبرئه شد."



من "سینه" هستم. برای شارلی نقاشی می کردم. در سال ۲۰۰۹ کاریکاتوری کشیدم که مدعی شدم پسر سرکوزی به علل مزایای مالی به دین یهودی گرویده است. شارلی از من خواست که پوزش بطلبم. وقتی اجتناب کردم مرا از شارلی به این عنوان که یهودیت را به مسخره گرفته ام و یهودی

ستیز هستم اخراج کردند. "موریس آلبر سینه". در زیر عنوان تصویر آمده است ک نه من شارلی نیستم."

کشتار مردم اوکرائین...

موجبات آنرا فراهم کرده اند. کسانی که بر سه میلیون رانده شدگان فلسطین توسط صهیونیسم جهانی چشم پوشیدند و حاضر نیستند حقوق این مردم را به رسمیت بشناسند طبیعتاً برای حقوق سایر ملتها نیز ارزشی قابل نیستند.

اوکرائین در آتش می سوزد و عواقب این فاجعه دردناک، توسط رسانه های گروهی غرب که نقاب "آزادی های بی قید و شرط" را بر چهره زده اند

پنهان می شود. تبلیغات مودیانه آنها از همان ابتداء مسیر "موجه" تفکر را نشان می دهد. بر اساس این تبلیغات، در اوکرائین "تجزیه طلبان روس" بر ضد دولت مستقل، قانونی، منتخب عموم و ارتش قانونی اوکرائین می جنگند. بعضی اوقات نیز به جای "تجزیه طلبان روس" از "تروریستها و مزدوران پوتین" صحبت می کنند و لذا در این نوع تبلیغات از همان گام نخست طرف محق و نامحق در ذهن قربانی تبلیغات رسانه ای روشن می شوند. دیگر نیازی به بررسی و کنکاش نیست. ولی واقعیت

این است که دولت "قانونی و منتخب" اوکرائین (بخوانید "کی یف" توفان) توسط کودتای نازی ها و حضور اوپاوش وارداتی از غرب و فریب خوردگان "مایدان" در اوکرائین و رهبری امپریالیستها ساقط شد. حتی روسها که در کادر توافق وزرای خارجه شرق و غرب بر سر دوران گذار و ممانعت از ایجاد فاجعه تفاهم نشان می

دین امر خصوصی است و باید از دولت و آموزش جدا شود

شناخت رویزیونیسم خروشچف-زیگانوف آن واکسنی است که می تواند درجه مصونیت جنبش کمونیستی را در مقابل تأثیرات خطرناک ضد انقلابی رویزیونیسم افزایش دهد. کتاب "سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس" (Ludo Martens) سندی غیر قابل انکار در افشاء خرابکاری رویزیونیستها در جنبش کمونیستی جهانی است که به فروپاشی شوروی منتهی شد. آغاز فروپاشی شوروی آطور که صادقان فریب خورده و یا رویزیونیستهای نقابدار که هنوز خود را در جنبش کمونیستی پنهان کرده اند، تبلیغ می کنند، از زمان روی کار آمدن گورباچف نبود از کنگره بیستم حزب کمونیست بلشویک شوروی و کودتای رویزیونیستی خروشچف و یارانش آغاز شد. سوسیالیسم لنینی-استالینی را که با دریائی از خون زحمتکشان شوروی و نیروی قدرتمند انترناسیونالیسم پرولتری بنا شده بود نمی شد بیکباره نابود کرد. نخست باید افکار را مشوب می کرد و تزلزل ایجاد می نمود تا مقاومتی صورت نگیرد و این کار را رویزیونیستها در جنبش کمونیستی انجام دادند. رفیق مترجم در مقدمه آن در مورد این کتاب می نویسد: "... جزو معدود کتاب هائیکست که به یاری صدها فاکت معتبر، شخصیت استالین را از لابلای خروارها گل و لای متعفن تبلیغات بورژوازی بین المللی، بیرون کشیده و با نشان دادن اوضاع ویژه هر مرحله ای از دوران استالین نقش جهان شمول او را در ساختمان سوسیالیسم و پیروزی بر فاشیسم به دست داده است."

این کتاب توسط رفیق دیگری نیز به ترجمه رسیده و در نشریات اپوزیسیون ضد رویزیونیست منتشر شده است. ما مطالعه این سند تاریخی را به همه رفقا و دوستداران کمونیسم توصیه می کنیم.

حزب کار ایران (توفان) تنها تشکیلات ایرانی است که ماهیت رویزیونیسم را بدرستی شناخت و رهبران آن رفقا **احمد قاسمی** (مسئول نشریه نامه مردم حزب توده ایران) و رفیق دکتر **غلامحسین فروتن** (مسئول مجله تنوریک دنیا در رهبری حزب توده ایران) هرگز حاضر نشدند به دروغهای خروشچف در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی صحنه بگذارند. آنها درک کردند که حمله به استالین حمله به سوسیالیسم است و از همان زمان، حزب ما با استمرار و پیگیری از رفیق استالین به مثابه رهبر بلا منازع پرولتاریای جهان و معمار بزرگ سوسیالیسم به دفاع برخاست و در مقابل بار سنگین دروغهای بورژوازی کمر خم نکرد. نگاهی به مقالات ارگان مرکزی "سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان" و "حزب کار ایران (توفان)" و نظری به کتابخانه حزب ما در تارنمای توفان نشان می دهد که تنها حزب کار ایران است که پرچم مبارزه علیه رویزیونیسم را ... ادامه در صفحه ۶

اموال عمومی مردم اوکراین در اختیار سرمایه داران خصوصی قرار خواهد گرفت و چوب حراج بر سر ثروتهای اوکراین خواهد خورد. مطبوعات غربی در تأیید وام صندوق بین المللی پول می نویسند: "اعطای وام مذکور مقامات اوکراین را در موقعیت مناسبی قرار خواهد داد تا بتوانند با بستانکاران خصوصی کشور درباره بدهی های اوکراین مذاکره کنند و به توافق برسند. میزان بدهی های این کشور معادل ۷۳ درصد تولید ناخالص داخلی آن ارزیابی شده است."

صندوق بین المللی پول قرار است در چند مرحله مبلغی معادل ۴۰ میلیارد دلار برای بازسازی و تقویت بنیه اقتصادی اوکراین پرداخت کند. خبر پرداخت نخستین بسته، پس از مذاکرات "مینسک" و امیدواری نسبت به برقراری آرامش در شرق اوکراین اعلام شد.

به گفته خانم "کریستین لاگارد": "مجموع تسهیلاتی که اوکراین از طریق صندوق و دیگر کشورهای وام دهنده به دست می آورد، بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار خواهد بود."

روشن است که دریافت وام اخیر برای بهبود وضع اقتصادی نیست، بلکه همانند یونان باید برای پرداخت بدهی بستانکاران قبلی که بازم خود همین امپریالیستها باشند مصرف شود. ولی اصل و فرع این وامها را مردم اوکراین با نیرو و منابع و ثروتهای خویش پرداخت خواهند کرد که تسهیلات این غارتگری از طریق سیاستمداران دست راستی خودفروخته و فاسد به انجام می رسد. پرچم "آزادی بی قید و شرط بیان"، "آزادی بی قید و شرط اسارت و غارت" به اهتزاز در آمده است و حال "ارزشهای واقعی غربی" است که باید مستقر شوند.

انتشار دو کتاب...

قرار دهند و با شکستن وی سوسیالیسم را بشکنند. دشمن طبقاتی آگاه بود که برای نابودی سوسیالیسم کسب قدرت سیاسی از طریق کودتا در حزب و تصفیه حزب بلشویک لازم است. اقتصاد بازار را نمی شد در شوروی برقرار کرد مگر اینکه دشمنان طبقاتی قدرت سیاسی را به دست می آوردند و بنای مستحکم سوسیالیسم را از درون مجوف می کردند تا فرو بپاشد. به همین جهت استالین پرچم است. بدون مبارزه با دشمنان استالین، بدون افشاء اتهامات بی اساس و جعلی که به وی و به حزب کمونیست قهرمان بلشویک می زنند، بدون اعاده حیثیت از استالین و افشاء بیدریغ و گسترده رویزیونیسم پنهان و آشکار، بدون افشاء "مدافعان" استالین در البسه ناسیونال شونیست روس از خروشچف تا زیگانوف امکان ندارد بتوان به شاهراه سوسیالیسم رسید و از تجربه بروز رویزیونیسم در شوروی و در هر حزب کمونیست دیگر جلو گرفت. اگر کسی از این تاریخ نیاموزد و مبارزه با رویزیونیسم را سازمان ندهد هر روز هیولای رویزیونیسم وی را تهدید به نابودی می کند. خطر بروز رویزیونیسم را تنها با شناخت رویزیونیسم و اشکال مودیانة بروز آن می توان دفع کرد.

کشتار مردم اوکراین...

از نظر اقتصادی باز بگذارد. از نظر نظامی نیز زمینه محاصره امپریالیسم ضربه خورده روسیه را فراهم کرده و سیاست امپریالیسم روس در ساختمان بازار اروپا-آسیا را که رقیب اتحادیه اروپاست در هم بشکنند. بعید به نظر می رسد که امپریالیستها از این بازی راهبردی دست بردارند. اینکه جنگ متوقف شود و یا ادامه پیدا کند به تناسب قوای طرفین بستگی دارد. در این قمار سیاسی تاکنون غرب مغرور و "متمدن" بازی را باخته است.

صندوق بین المللی پول در نظر دارد برای اسارت کامل اوکراین وامی چهار ساله معادل هفده و نیم میلیارد دلار به اوکراین اعطاء کند. پیش از این صندوق بین المللی پول در ماه آوریل سال ۲۰۱۴ مبلغ ۱۷ میلیارد دلار کمک مالی اضطراری به اوکراین اعطاء کرده بود ولی از آنجا که این دولت فاسد و دست نشانده، توانایی پیشبرد مقاصد امپریالیستها را نداشته و در حال فروپاشی است و لازم است که حقوق مزدوران مسلح را تأمین کنند، لذا به علت استمرار ناآرامی ها و درگیری ها در شرق این کشور بین نیروهای "کی یف" و مردم اوکراین و تشدید بحران اقتصادی لزوم پرداخت وامی دیگری احساس می شود.

"کریستین لاگارد" بانوی فرانسوی، رئیس این نهاد ضمن تأیید این مطلب نهایی شدن پرداخت این وام را منوط به موافقت شورای اداری صندوق بین المللی پول دانست و این فرجه را برای خودش قابل شد تا با سیاست نان قندی و شلاق سیاست این صندوق را به رهبران "کی یف" تحویل کند. به گفته وی شرط پرداخت این کمک مالی نیز اعمال **اصلاحات اقتصادی در اوکراین است که در آستانه ورشکستگی** قرار دارد. ماهیت اصلاحاتی را که

صندوق بین المللی پول که رهبریش در تقسیم سهام در دست اروپائی هاست، می طلبد، از قبل روشن است. زمامداران دست راستی فاشیست اوکراین باید همان بلائی را به سر مردم اوکراین بیاورند که زمامداران دست راستی اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، یونان و... بر سر مردم این کشورها در اروپا در آوردند. فقر باید چنان دامنگیر شود تا مردم مانند برده ها، برای سرمایه داران بدون کوچکترین حقوقی کار کنند و دول این کشورها تنها به کارگزاران سرمایه داران بدل شوند.

"کریستین لاگارد"، رئیس صندوق بین المللی پول روز پنجشنبه (۱۲ فوریه/ ۲۳ بهمن) در تأیید سیاست صندوق گفت، بسته کمک به اوکراین در ازای وعده این کشور به انجام **"رفرمهای بلندپروازانه و سخت، در طول چهارسال"** در اختیار این کشور قرار خواهد گرفت.

خبرگزاری آلمان از "کی یف" گزارش داده که "آرسنی یاتسنیوک"، نخست وزیر اوکراین روی ۲۲ میلیارد دلار وام از صندوق بین المللی پول در چهار سال حساب کرده است. او پنجشنبه در "کی یف" گفت، امیدوار است که اقتصاد کشور در سال ۲۰۱۶ رشد کند.

"یاتسنیوک" رئیس اصلاحاتی را که دولت وی ملزم به اجرای آن شده است **مبارزه با فساد، اصلاح ساختار مصرف انرژی و بهینه سازی هزینه های دولتی** اعلام کرد. **کاهش شمار کارکنان دولت و لغو اعطای بازنشستگی** ویژه دیگر رؤس اصلاحات دولت اوکراین در چهار سال آینده به شمار می آیند. این نماینده نازی ها و شرکتهای کلان امپریالیستی بیان نکرد که تمام

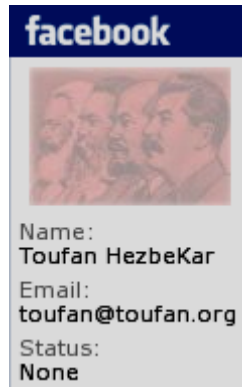
انتشار دو کتاب...

برافراشته است و صمیمانه و پیگیرانه و با اعتقاد راسخ به پیش می برد. امروز نیز ما همان سخنان دیروز را تکرار می کنیم که استالین پرچم است. بدون در دست داشتن این پرچم و مبارزه با دشمنان وی به ویژه رویزیونیستها رنگارنگ امکان نیل به سوسیالیسم مقدور نیست.

البته حزب ما با همه تحلیلهای نگارنده کتاب موافق نیست. به عنوان مثال بحث "ضعف های مبارزه علیه اپورتونیسیم" عاری از اشکال نمی باشد. حزب ما در این زمینه در گذشته مقاله ای نیز برشته تحریر در آورده و این انتقاد را به استالین نادرست دانسته است. حزب ما در آینده نیز بر اساس اسنادی که جمع آوری کرده است بیشتر سخن خواهد گفت. امروز طلایه بیداری بسیاری کمونیستهای فریب خورده در افق مبارزه طبقاتی رویت می شود. بدون تکیه بر شخصیت والای استالین، بدون در دست داشتن این پرچم خلل ناپذیر سوسیالیسم نیل به شاهراه سوسیالیسم ممکن نیست. حزب ما، درهای خویش را به روی مبارزان صمیمی کمونیسم همواره گشوده نگهداشته است.

کتاب دیگری نیز تحت نام "توهین به مقدسات ادیان، و برخورد حزب کار ایران(توفان) به آن" انتشار یافته است. این کتاب سندی روشن از دو روئی بورژوازی امپریالیستی و اهداف نژادپرستانه و فاشیستی حمله به مسلمانان در اروپا و "دموکراسی"های غربی است. "حزب کار ایران(توفان)" در این نشریه با جمع آوری کاریکاتورهای رنگی و گوناگون نشان می دهد که تا به چه حد امر "آزادی بیان"، "آزادی عقیده" و یا شعار بورژوازی: "آزادی های بی قید و شرط" عوامفریبانه است. این شعار فریبنده که نافی ماهیت طبقاتی دموکراسی و آزادی است، مرتب توسط بخش سالم ولی فریب خورده ای از اپوزیسیون ایران و بخش ناسالم و صهیونیستی و خودفروخته اپوزیسیون ایران که بلندگوی "منشه امیر" و مریدان منصور حکمت است، تکرار می گردد. سند حاضر دست این عده را رو می کند و نشان می دهد که چگونه به بلندگوی امپریالیستها و به داعشهای فکل کرواتوی در ایران بدل شده اند که مبارزه با مذهب را با عریان شدن و توهین و تحقیر مسلمانان "به پیش می برند". آنها "جبهه مبارزه سیاسی" برضد دشمنان طبقاتی را به "جبهه مبارزه مذهبی" برای انحراف از مبارزه طبقاتی و حفظ مبشران جهالت و آنها در پناه مبارزه دروغین و جدا از مبارزه طبقاتی، با مذهب بدل کرده اند. کتاب اخیر در عین افاش ماهیت تبلیغات امپریالیستها، تاریخچه دروغها و دورویی امپریالیستها، راه صحیح مبارزه با خرافات، نادانی، جهالت را نشان می دهد. در این کتاب به نظر آموزگاران بزرگ پرولتاریا و تجربه

توفان در توئیتر Toufanhezbkar حزب کار ایران(توفان) در فیس بوک Toufan HezbeKar



غنی جنبش کمونیستی اشاره می شود که دقیقا برخوردهای خرده بورژوازابانه و امروز مشکوک و نادرست نسبت به مذهب را بررسی و افشاء کرده و راه صحیح مبارزه با آن را در متن مبارزه طبقاتی نشان داده اند. ما مطالعه این اثر، حتی نگهداری آن به عنوان یک سند تاریخی را به همه خوانندگان توفان توصیه می کنیم. می توانید با تماس با دفتر حزب کار ایران(توفان) آنرا دریافت دارید و یا از طریق کتابخانه تارنمای توفان آنرا به دست آورید.

پناهندگان "کوزوو"...

و ساختار اداری و دولتی است و در دست مافیا قرار دارد کشور "امن" اعلام کرده است تا گرسنگان "کوزوویی" را به زیر دست دولت مافیائی باز پس بفرستند و خیال خود را راحت کنند. این سند جدید گویای "بشردوستی" و "دموکراتیک" بودن این ممالک است. براساس قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل، "کوزوو" همچنان بخش قانونی از قلمرو صربستان محسوب می شود. ولی دولت آلمان این افراد خودفروخته را به عنوان هیات رهبری آلبانیائی در مذاکرات در شهر "رامبولی" (Rambouillet) فرانسه با رهبر وقت یوگسلاوی آقای اسلوبدان میلوسوویچ که در زندان وی را به قتل رساندند، شرکت داد و ارتش تروریستی آنها را به نام "اوچکا" تقویت و مسلح کرد و از آن جا که وی مسلمان است مورد حمایت کامل جمهوری سرمایه داری اسلامی از روز نخست تا به امروز قرار گرفت و تا به امروز نیز مورد حمایت آنهاست.

این آقای "نخست وزیر کوزوو" (از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴) یک تروریست و آدمکش حرفه ایست. کار به جایی رسیده است که خودشان نیز نمی توانند این اعمال ننگین وی را پنهان کنند. به متن مصاحبه این آقای مافیا به عنوان "نخست وزیر کوزوو" نخست وزیر سابق-توفان) در برنامه "گفتگوی جهانی یورونیوز" (euronews) - Globalconversation) توجه کنید و پوسته دروغها و بهانه جوئی های مستمر وی را که برای آرایش اعمال زشتش بیان می کند بدور افکنید، تا ببینید حتی مخبران دست پرورده غربی در مورد ایشان چه می گویند و چقدر اطلاع دارند. مخبر برنامه در معرفی ایشان از جمله می آورد:

"هاشم تاچی، نخست وزیر کوزوو همواره برای استقلال و حاکمیت کوزوو تلاش می کند و برای مبرا کردن خود و هم حزبی هایش از اتهاماتی نظیر ارتکاب وحشتناکترین جنایات به مبارزه می پردازد. (تاکید از توفان) وی در گفتگویی با یورونیوز ابراز امیدواری کرد "تا کوزوو در آینده به استقلال کامل دست یابد و توسط جامعه جهانی و سازمان ملل متحد و حتی صربستان به رسمیت شناخته شود. به اعتقاد او به رسمیت شناخته شدن کوزوو توسط صربستان راه را برای کشورهایی چون روسیه، چین، هند و پنج عضو دیگر اتحادیه اروپا باز می کند تا موضعی مشابه اتخاذ کنند."

از این سخنان بر می آید که منطقه ای که وی در آن به عنوان "نخست وزیر" فرمانروائی می کند نه مستقل است و نه کشوری است که در جهان به رسمیت شناخته شده و عضو سازمان ملل متحد باشد. بود و نبود این تکه خاک وابسته به لطف امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آلمان است. وی معترف است که به وی و دوستانش اتهام نازدودنی "ارتکاب جنایات" چسبیده است ولی وی می خواهد با کسب اعتبار دیپلماتیک از طریق رسمیت یافتن حقوقی از زیر بار تعقیب قضائی جان به در برد.

فساد مالی و جرایم سازمان یافته در کوزوو

آقای تاچی در پاسخ به سئوالی در زمینه وجود معضل فساد مالی در کوزوو و جرایم سازمان یافته تاکید کرد که مبارزه علیه این معضلات ادامه دارد و انعطاف پذیری در این موارد وجود ندارد.

وی ضمن قبول این موضوع که وجود فساد روند توسعه و رشد اقتصادی کوزوو را با کندی مواجه کرده است می گوید: «اکنون در حال حرکت مثبت با هدف ریشه کن کردن فقر و جبران عقب ماندگی یک قرن گذشته که بدلیل اشغال صربها بوجود آمده هستیم. شش سالی می شود که مستقل هستیم و طی این مدت نمی توان معجزه کرد. اما اکنون در حال ساخت پایه و مبنای مستحکم و پرتیبات برای کوزوو هستیم.» (سپل بی خانمانان و گرسنگان کوزوویی که در یوگسلاوی زندگی عادی داشتند به پاس "مبارزه علیه فساد" توسط رهبر مافیائی کوزوو سرازیر آلمان شده است-توفان).

در این اظهار نظر نیز که وعده سر خرمن است ماهیت مافیائی... ادامه در صفحه ۷

رویزیونیسم حاکم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

و تبلیغاتی دروغین دول غربی این هیولا را در "کوزوو" بر سر کار نگاه می دارند. **تیهکاری سازمانیافته** در کوزوو به فروش اعضاء بدن انسان و آنهم انسانهایی که می ربایند مشغول است. مردم سابق یوگسلاوی و سیل گرسنگان "کوزووی" امروز هم قربانی تبلیغات ریاکارانه امپریالیستها هستند. آنها این مردم را به این روز انداخته اند و حال به جای حمایت و یاری به آنها با قهر دولتی و تروریستی آنها را به "کوزوو" بر می گردانند تا در گرسنگی خویش نابود شوند. هیچ وجدان بیداری در فضای فاشیستی خلق شده در اروپا برای حمایت از اقلیت مسلمان چه برسد به مسلمانان کوزووی وجود ندارد. ایرانی های خود فروخته در اپوزیسیون در توجیه جنایات بر ضد مردم مسلمان "کوزوو" نیز مقصرانه با تبلیغات دولت جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران و امپریالیستهای غربی همآوا گردیدند. بالکان آستن بحرانهای جدیدی است که امپریالیستها با کوربینی نمی توانند مانع رشد مبارزه خلقها شوند. در اینجاست که نقش تعیین کننده یک حزب کمونیستی و رهبر مبارزات مردم برای رهائی ملی و طبقاتی روشن می شود.

بر ضد قوانین و قواعد بین المللی باشد نبوده ام. بله ما قوانین اسلوبودان میلو سوویچ را زیر پا گذاشتیم زیرا آنها قوانین عادلانه ای نبودند بلکه قوانینی برای سرکوب، نسل کشی و تبعیض نژادی بودند. به همین خاطر به دستگاه قضایی تکیه داریم و اطمینان کاملی به آن داریم. و در نهایت به همکاری خود با دادگستری ادامه می دهیم.»

موضع آقای تاچی درباره **اتهام قاچاق اعضاء بدن انسان که متوجه اعضاء ارتش آزادی بخش کوزوو است:** «این موضوع را با اعتقاد درونی می گویم. اولین بار این موضوع را در گزارش **دایک مارتی** دیدم. هرگز نمی توانم باور کنم که کسی مرتکب این عمل شده باشد. هیچگاه در زندگی ام نمی توانم باور کنم که یک سرپاز آزادی بتواند مرتکب چنین عملی شود. اما باید به دستگاه قضایی فرصت، فضا و امکانات لازم را بخشید تا بتواند نسبت به شفاف سازی این شک و تردیدها اقدام کند. من نمی توانم این داستانهای تخیلی را باور کنم، هیچ کسی آنها را باور نمی کند. هیچ کس نمی تواند مرتکب این اعمال شود و اعتقاد دارم که این اعمال اتفاق نیافتاده است.» (تمام تاکیدات بدون زیر خط از توفان است).

همین چند نکته در بالا که آقای تاچی مرتب در تکذیب آنها سخن می راند گواه آن است که این نخست وزیر دست نشانده تا به چه حد منفور و مشکوک است و با چه قدرت نظامی

پناهندگان "کوزوو"...
در قدرت که مخبر از آن به عنوان "جرايم سازمانیافته" سخن می راند معلوم می شود. هم مخبر و هم آقای تاچی می دانند که سرپای این تکه خاک را مافیا در دست دارد و تبهکاری و فساد مانند قانقاریا سرپای این موجود مصنوعی را فرا گرفته است. دلداری های آقای تاچی بیشتر برای رد گم کردن و زمان خریدن است. وی مورد تائید امپریالیسم آلمان است و به پاس دست نشاندهگی آنها حق فرار از تعقیب قضائی را دارد.

انتخابات در کوزوو

هاشم تاچی در ادامه ابراز امیدواری کرد حزب دموکرات کوزوو حزب متبعش پیروز انتخابات سال ۲۰۱۴ باشد.

موضع تاچی درباره اتهامات مطرح شده علیه وی و اعضاء حزبی

نخست وزیر کوزوو در پاسخ به سؤال خبرنگار یورونیوز مبنی بر اینکه آیا تاکنون او شخصا مجبور به ارتکاب قتل شده است می گوید: «مبارزه ما جنگی برای پیروزی کوزوو بود نه برای به قتل رساندن مردم.» وی در ادامه می گوید: «ما با قدرت از نیروهای سرمایه گذار و نهادهای جمهوری کوزوو حمایت می کنیم. اطمینان زیادی به دستگاه قضایی داریم و چیزی برای پنهان کردن هم نداریم. باید تصریح کنم همانطوریکه بیشتر این موضوع را مطرح کردید من پشت هیچ دستور و یا عملیاتی که

(توفان الکترونیکی شماره ۱۰۴ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره می خوانید:

مصاحبه هئیت تحریریه توفان با رفقای "تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست یونان (۱۹۱۸-۵۵)"
در مورد تحولات اخیر دریونان؛
یادداشتی به مناسبت سی و ششمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷؛

جنبش کارگری و سندیکائی ایران و چگونگی ایجاد تشکیلات سراسری در شرایط فعلی (۲)؛
پیام همدردی حزب کار ایران (توفان)
به مناسبت درگذشت رفیق محمود راسخ افشار؛
اعلام موضع شبکه ضد جنگ دانمارک علیه "وحدت ملی امپریالیستی علیه تروریسم"؛
مصاحبه با رفیق ماریو سوزا حضورهبری حزب کمونیست سوئد (م ل) درمورد رفیق استالین و اوضاع کنونی روسیه و سوئد (۲)؛
دانشجو پیش از آن که دانشجو شود یک عضو این جامعه نیز هست
متن سخنرانی دکتر ناصر رزافشان

توفان الکترونیک

شماره ۱۰۴ اسفند ماه ۱۳۹۳ مارس ۲۰۱۵

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbekar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

پناهندگان "کوزوو" قربانیان امپریالیسم،

صهیونیسم و جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران

امپریالیسم آلمان امروز سنگ اوکرائین را خیلی به سینه می زند. این سنگ از زمان هیتلر مرتب به سینه امپریالیسم آلمان می خورد و تا اشغال و برده کردن اوکرائین ادامه دارد. ولی این امپریالیسم که دلش برای شبه جزیره کریمه می سوزد و طغیان مردم شرق اوکرائین را دخالت امپریالیسم روس می داند خودش در نقض حقوق ملل در اروپا پیش قدم بوده است. آنها علیرغم امضای پیمان امنیت و همکاری در اروپا که یکی از ارگان مهم آن به رسمیت شناختن حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهاست، با یاری ناتو و مزدوران آلمانی، سازمانهای خصوصی که در آلمان پرورش داده بودند و می دهند و هنوز هم هستند، در کنار پس مانده های فراری نازی های کروات بعد از جنگ جهانی که ساکن آلمان بودند، به یوگسلاوی حمله کردند و فورا کشورهای مصنوعی اسلونی، کرواسی و بوسنی هرزه گوین را ایجاد کرده، به رسمیت شناختند تا بتوانند با خیال راحت به بهانه حقوقی به آنجا اسلحه و سرباز اعزام دارند. یوگسلاوی را تجزیه کرده به خون کشیدند و از بدنه آن چندین کشور آفریدند که همه مستعمره غرب اند و امکان ادامه بقاء چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی ندارند، و حتی برخی از آنها جمعیتشان به چند صد هزار نفر هم نمی رسد. کرواسی را دولت آلمان در واقع خریده است. پس از این این حمله تجاوزکارانه که با خرواری از دروغ و تبلیغات زهر آگین و فاشیستی همراه بود، کشوری را بنام "کوزوو" اختراع کردند که باید از صربستان جدا می شد. این کار نقض همه ضوابط بین المللی و منشور ملل متحد است. ولی سربازان آلمانی در کوزوو مستقر هستند و می خواهند این منطقه اشغالی را چون استخوان لای زخم همیشه خونبار نگاه دارند. در راس این کشور مثنی مافیای مواد مخدر و صادر کنندگان روسپی و اسلحه و پولشویی نشسته اند. رهبران تحت تعقیب پلیس بین الملل به هر کاری که یک رهبر مافیا می تواند دست زد دست می زند و در واقع مکانی در اروپا ایجاد شده که مرکز رسمی فساد، قاچاق، آدمکشی سفارشی، تروریسم راهزانه، فروش اعضاء بدن که در اروپا خریدار هم دارد و برده داری مدرن و هرگونه عمل زشت و غیر قانونی است. "کوزوو" کشور نیست منطقه آزاد شده مافیاست. این امر را همه رهبران اروپا و غرب می دانند و با رهبر تروریست و آدمکش آن هاشم تاجی که تحت تعقیب پلیس بین الملل است روابط حسنه دارند.

امروز کار به جایی رسیده است که در این منطقه نه کارخانه ای هست و نه محل کاری، زندگی بخش مافیائی از راهزنی تامین می شود و اکثریت قریب به اتفاق مردم "کوزوو" فاقد نان شب بخور و نمیر هستند. این است که مهاجرت دستجمعی به سمت اروپا و به ویژه آلمان که مسبب همه این فلاکت ها بوده است آغاز گردیده و مردم در دسته های چند هزار نفره خود را به سر زمین "شیر و عسل" می رسانند و این "حق" آنها و همه مردم تحت ستم است تا در سهام غارت امپریالیستی سرزمینهای تحت ستم خودشان سهیم شوند. دولت آلمان با وحشی گری و آزادی بی قید و شرط بیان در دروغ و پخش اخبار، به جعل واقعیات پرداخته و افکار عمومی را بر ضد مردم "کوزوو" که قربانی سیاستهای تجاوزکارانه امپریالیسم بویژه آلمان با حمایت آمریکا هستند می شوراند. دولت آلمان، کشوری را که هنوز قانونی نیست، عضو سازمان ملل نیست، بسیاری ممالک جهان به رسمیت نمی شناسند، فاقد بافتها... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 180 Mar. 2015

انتشار دو کتاب با ارزش

اخیرا دو کتاب منتشر شده اند که حزب ما مطالعه آنها به همه توصیه می کند. نخست کتابی است مستند و تاریخی در مورد شخصیت خدشه ناپذیر رفیق استالین معمار بزرگ ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دشمن سرسخت امپریالیسم و رویزیونیسم، بزرگترین سیاستمدار قرن بیستم که همیشه به علت پایداری و شم قدرتمند طبقاتی و شناخت از دشمن و دانش وسیع تئوریک به مثابه ادامه دهنده راه لنین بزرگ مورد اتهام و دشمنی کینه توزانه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی بود. دروغی نیست که بورژوازی امپریالیستی و ارتجاع جهانی بیاری رویزیونیستهای خروشچف-برژنف-گورباچف به وی نبسته باشند. آنها برای نابودی سوسیالیسم بدرستی درک کردند که باید معمار آن، تئورسین ساختمان اقتصادی سوسیالیسم را آماج حملات خویش قرار... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany